

● مقاله تحقیقی

بررسی عوامل مؤثر در کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

چکیده

زرمینه: یکی از بزرگترین معضلات آموزشی، کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان است. لذا باید جهت ارتقای کیفیت آموزشی دانشگاه‌ها، عوامل کاهش‌دهنده انگیزه تحصیلی دانشجویان شناسایی و برطرف گردند. این مطالعه به همین منظور انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. نمونه مورد مطالعه، ۲۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل بودند (۱۲۰ نفر دانشجوی بانگیزه و ۱۲۰ نفر دانشجوی بی‌انگیزه) که این تعداد، با اجرای آزمون انگیزه تحصیلی مشخص شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل آزمون‌های استاندارد شده انگیزه تحصیلی مک‌اینرنی، عزت‌نفس کوپراسمیت، یادگیری خود تنظیمی و پرسشنامه محقق ساخته، بود. میزان اعتبار آزمون‌های استاندارد شده به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۹۰ و ۰/۸۸ گزارش شده است. میزان اعتبار پرسشنامه محقق ساخته نیز ۰/۸۵ برآورد گردید. این پرسشنامه شامل سؤالاتی بود که دانشجویان را از لحاظ ویژگی‌های فردی، اجتماعی، خانوادگی، آموزشی و میزان امید به آینده بررسی می‌نمود. با توجه به نوع متغیرها، در تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون ناپارامتریک مجذور کای و روش آماری تحلیل ممیزی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده از این مطالعه نشان داد که از مجموع ۱۱ متغیر مورد مطالعه به ترتیب، ۵ متغیر امید به آینده (با ضریب ۰/۹۰)، میزان عزت‌نفس (۰/۱۲)، کیفیت عوامل آموزشی (۰/۱۱)، وضعیت تأهل (۰/۴۰) و میزان درآمد خانواده (با ضریب ۰/۷۰) می‌توانند علل کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان را تبیین کنند. در حالی که ۶ متغیر جنسیت، میزان تحصیلات، فوت والدین، جو عاطفی خانواده، سلامت جسمی - روانی و میزان یادگیری خود تنظیمی، تأثیر معنی‌داری در انگیزه تحصیلی دانشجویان ندارند.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش به تبیین رفتارهای اساسی دانشجویان پرداخته شد و نتایج نشان داد که پایین بودن میزان متغیرهای امید به آینده، کیفیت عوامل آموزشی، درآمد خانواده و تأهل دانشجویان از عوامل عمده کاهش انگیزه تحصیلی به شمار می‌آید. با توجه به نتایج فوق ضروری است مسئولین دانشگاه علوم پزشکی اردبیل از طریق ارائه راهکارهای مناسب در جهت جلوگیری از بی‌انگیزگی تحصیلی در دانشجویان اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: انگیزه تحصیلی، عزت‌نفس، یادگیری خود تنظیمی، امید به آینده



دکتر پرویز مولوی^۱

دکتر خلیل رستمی^۲

دکتر علیرضا فدایی نائینی^{۳*}

حسین محمدنیا^۳

بهزاد رسول زاده^۴

۱. استادیار بیماری‌های اعصاب و روان، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل
۲. دستیار فوق تخصص جراحی پلاستیک، دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی
۳. دانشجوی پزشکی (انترن)، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل
۴. کارشناس ارشد سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

* نشانی نویسنده مسئول: تهران، خیابان کریمخان، خیابان آبان جنوبی، بیمارستان ۱۵ خرداد، دفتر گروه جراحی پلاستیک، تلفن: ۰۲۱۵۵-۸۹۰۲۱۵۵، فکس: ۲۳۳۷۸۴۱۰، پست الکترونیک: fadaenaeni@yahoo.com

مقدمه

واقعیت مهم آن است که همه پیشرفت‌های شگفت‌انگیز انسان در دنیای امروز زاینده یادگیری است. انسان بیشتر توانایی‌های خود را از طریق یادگیری به دست می‌آورد. از طریق یادگیری، رشد فکری پیدا می‌کند و توانایی‌های ذهنی‌اش فعلیت می‌یابد. بنابراین چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که همه پیشرفت‌های بشر در نتیجه یادگیری به دست می‌آید [۱]. یکی از عوامل مؤثر بر یادگیری در میان یادگیرندگان، انگیزه تحصیلی است. انگیزه تحصیلی یکی از ملزومات یادگیری به حساب می‌آید و چیزی است که به رفتار شدت و جهت می‌بخشد و در حفظ تداوم آن به یادگیرنده کمک می‌کند. در واقع انگیزه آن چیزی است که به یادگیرنده انرژی می‌دهد و فعالیت‌های او را هدایت می‌کند [۲]. گیج و برلانیر (۱۹۹۶) انگیزه را به موتور یا فرمان اتومبیل تشبیه می‌کنند که شخص را برای رسیدن به هدف خاصی وادار به فعالیت می‌کند [۳]. لفرانسو (۱۹۹۷) انگیزه را علت و دلیل رفتار می‌داند. «دلیل این که چرا ما بعضی رفتارها را انجام می‌دهیم ولی بعضی دیگر را انجام نمی‌دهیم، انگیزه‌های ما هستند.» درباره تأثیر انگیزه بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی، پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است. کیست وکول در مطالعات خود نشان داده‌اند یادگیرندگانی که

انگیزه تحصیلی سطح بالایی دارند، فعالیت‌های بیشتری را می‌پذیرند، تکالیف درسی بیشتری انجام می‌دهند و در نتیجه موفقیت بیشتری کسب می‌کنند. بلوم رابطه بین انگیزه و پیشرفت تحصیلی را، ۰/۳۴ گزارش کرده است [۳]. هافمن (۱۹۸۹) در تحقیق خود فقر و محرومیت اقتصادی، عدم توجه والدین، پرجمعیت بودن خانواده و نامناسب بودن ساخت خانواده را در کاهش انگیزه یادگیرندگان مؤثر دانسته و نتیجه‌گیری کرده که اعضای طبقه کارگر، ارزش کمتری برای تحصیل قایل هستند و آن را وسیله‌ای برای پیشرفت تحصیلی قلمداد نمی‌کنند [۳].

راش (۱۹۹۴) انگیزه را عالی‌ترین شاهره یادگیری دانسته است. بدین معنی که هر چه انگیزه فرد برای آموختن و تحصیل بیشتر باشد، فعالیت و رنج و زحمت بیشتری را برای رسیدن به هدف نهایی متحمل خواهد شد. مثلاً اگر یادگیرنده دارای انگیزه تحصیلی بالایی باشد، به درس به خوبی توجه می‌کند، تکالیف درسی را جدی می‌گیرد و علاوه بر آن سعی می‌کند اطلاعاتی بیش از آنچه در کلاس درس به او می‌آموزند، یاد بگیرد [۴].

بنابراین با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام یافته از آنجا که انگیزه تحصیلی مستقیماً با میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان در ارتباط است، لازم است برای ایجاد یک نظام آموزشی موفق و

پویا به این امر مهم توجه بیشتری شود. متأسفانه یکی از مشکلات شایع نظام‌های آموزشی در بسیاری از کشورها، پایین بودن سطح انگیزه تحصیلی در بین یادگیرندگان می‌باشد که سالانه زبان‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی زیادی را متوجه دولت‌ها و خانواده‌ها می‌کند و نظام آموزشی کشورها را با افت تحصیلی مواجه می‌سازد. بنابراین جهت کم کردن خسارات ناشی از کاهش انگیزه تحصیلی باید تحقیقات گسترده‌ای در زمینه شناسایی عوامل مؤثر در کاهش انگیزه تحصیلی صورت بگیرد. در این راستا با توجه به اهمیت ماهوی موضوع، مطالعه حاضر، جهت شناسایی عوامل مؤثر در کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل صورت گرفته است. لذا مسأله اساسی و پرسش آغازین مطالعه حاضر این است که چه عواملی در کاهش انگیزه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل تأثیر دارند؟ مؤلفه‌های اصلی کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان کدام‌ها هستند، این سؤالات و پرسش‌هایی نظیر اینها ایجاب می‌کند که مسأله به طور دقیق و علمی موشکافی شده و شناسایی گردد.

روش کار

این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل

آزمون‌های استاندارد شده انگیزه تحصیلی مک‌اینرنی، عزت‌نفس کوپراسمیت، یادگیری خود تنظیمی پونز و نیز پرسشنامه محقق ساخته، می‌باشد. میزان اعتبار آزمون‌های استاندارد شده، به ترتیب ۷۳٪، ۹۰٪ و ۸۸٪ گزارش شده است. میزان اعتبار پرسشنامه محقق ساخته نیز به روش آلفای کرونباخ، ۸۵٪ برآورد گردید. این پرسشنامه شامل سوالاتی بوده است که دانشجویان را از لحاظ ویژگی‌های فردی، اجتماعی، خانوادگی، آموزشی و میزان امید به آینده بررسی کرده است. این پرسشنامه در یک مقیاس چندگزینه‌ای و توسط کلینیسین تکمیل شده است که پس از نمره دهی به هر مورد، دسته بندی صورت می‌گرفت. ویژگی‌های فردی، سن و جنس را شامل می‌شود. در ویژگی‌های اجتماعی اهمیت جامعه به تحصیلات عالی، احترام اجتماعی، منزلت اجتماعی، شغل مناسب و درآمد کافی، ارتباط با دوستان و جنس مخالف مورد توجه بوده است. در ویژگی‌های خانوادگی رتبه تولد، میزان تحصیلات پدر و میزان تحصیلات مادر بررسی شده است. ویژگی‌های آموزشی به میزان دسترسی به اساتید مجرب، توانایی اساتید در بیان مطالب، رفتار اساتید با دانشجویان و در نهایت علاقه و تلاش اساتید برای آموزش دانشجویان اشاره دارد. در ویژگی امید به آینده، میزان علاقمندی به تحصیل، مقطع هدف و امید به انتخاب شغل

مورد نظر و تأمین مالی از این راه مورد بررسی قرار گرفت. این مطالعه به دلیل مشخص نبودن واریانس متغیر تابع (میزان انگیزه تحصیلی دانشجویان) در دو فاز انجام شد. در فاز اول طرح، برای برآورد میزان انگیزه تحصیلی دانشجویان، ابتدا با استفاده از آزمون مک‌اینرنی، کل جامعه آماری (۱۲۰۰ دانشجوی)، مورد مطالعه و دانشجویان برحسب میزان انگیزه به دو دسته: بانگیزه بالا و پایین تقسیم شدند. سپس از هر یک از دو گروه، تعداد ۱۲۰ دانشجو انتخاب شدند. در نحوه انتخاب سعی شد تا دانشجویان در دو گروه از نظر توزیع سنی، جنسی و رشته تحصیلی مشابه باشند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از روش‌های آمار توصیفی (در قالب جداول و فراوانی) و از آمار تحلیلی (در قالب آزمون‌های خی‌دو و رگرسیون تحلیل ممیز به روش ویلکز) استفاده شد.

نتایج

نتایج حاصله از این مطالعه نشان داد که سطح تحصیلات والدین دانشجویان اکثراً (۶۰/۲ درصد) در حد ابتدایی و راهنمایی بوده و ۸ درصد والدین دانشجویان، سطح تحصیلاتشان در حد فوق دیپلم و بالاتر می‌باشد. اکثر دانشجویان (۸۳/۸ درصد) اظهار نموده‌اند که هزینه تحصیلی‌شان را

خانواده‌شان تأمین می‌کند و تنها ۱۶/۲ درصد جهت تأمین هزینه تحصیلی خود، کار می‌کنند. همچنین یافته‌های این مطالعه نشان داد که ۲۳/۳ درصد از دانشجویان، افراد تحصیل کرده را ناموفق و فقط ۸/۸ درصد افراد تحصیل کرده را موفق می‌دانند.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌های مورد مطالعه با استفاده از روش آمار خی دو نشان داد که بین دو گروه دانشجویان بانگیزه و بی‌انگیزه در متغیرهای وضعیت اقتصادی، عزت‌نفس، میزان یادگیری خود تنظیمی، میزان امید به آینده، میزان رضایت از عوامل آموزشی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و در متغیرهای ویژگی‌های جسمی - روانی، تحصیلات والدین، جو عاطفی خانواده دانشجویان بانگیزه و بی‌انگیزه، تفاوت وجود نداشت. همچنین در این تحقیق به منظور تعیین متغیرهای مؤثر در کاهش انگیزه تحصیلی و طراحی تابع تشخیصی، برای مقایسه دو گروه دانشجویان بانگیزه و بی‌انگیزه از روش رگرسیونی تحلیل ممیز استفاده گردید. با مشخص کردن تابع تشخیصی می‌توان پیش‌بینی کرد که چه مقدار احتمال دارد فرد در گروه دانشجویان بانگیزه و بی‌انگیزه عضویت پیدا کند. به منظور پیدا کردن تابع فوق برای دانشجویان، از بین متغیرهای مستقل، ۱۱ متغیر داخل معادله تحلیل ممیز قرار داده شد. نتایج حاصله نشان داد متغیرهای ویژگی‌های

جدول ۱- متغیرهای وارد شده و خارج شده از معادله تابع ممیز				
گام	متغیرهای وارد شده	متغیرهای خارج شده	ویلز	سطح معنی داری
۱	امید به آینده	-	۰/۵۴	$P < ۰/۰۰۱$
۲	عزت نفس	-	۰/۷۱	$P < ۰/۰۰۱$
۳	کیفیت عوامل آموزشی	-	۰/۵۱	$P < ۰/۰۰۱$
۴	تأهل	-	۰/۴۹	$P < ۰/۰۰۱$
۵	درآمد خانواده	-	۰/۴۸	$P < ۰/۰۰۱$
۶	-	جنسیت	-	-
۷	-	میزان تحصیلات	-	-
۸	-	فوت والدین	-	-
۹	-	جو عاطفی خانواده	-	-
۱۰	-	سلامت جسمی - روانی	-	-
۱۱	-	میزان یادگیری خود تنظیمی	-	-

(میزان امید به آینده) $+۰/۹۰$ (میزان عزت نفس) $+۰/۱۲$ $D =$
 (میزان درآمد خانواده) $+۰/۷۰$ (وضعیت تأهل) $+۰/۴۰$
 (کیفیت عوامل آموزشی) $+۰/۱۱$
 در عین حال ضرایب استاندارد حاکی از آن است که متغیرهای "میزان امید به آینده" و عزت نفس نسبت به سایر متغیرها نقش پررنگ‌تری در معادله ممیز دارند.

سایر متغیرها قادر به پیش‌بینی عضویت گروهی نیستند [۱].

در تحلیل فوق، پیش‌بینی عضویت در گروه دانشجویان بی‌انگیزه و بالانگیزه (متغیر تابع) روی متغیرهای معنی‌دار، (میزان امید به آینده، میزان عزت‌نفس، کیفیت عوامل آموزشی، وضعیت تأهل و میزان درآمد خانواده دانشجویان) معادله‌ای به دست می‌دهد که حداکثر تمایز را بین گروه‌های مورد نظر ایجاد می‌نماید. جهت روشن شدن نتایج به دست آمده، از ضرایب غیراستاندارد شده تابع ممیز استفاده گردیده است (جدول ۲ و ۳).

با توجه به نتایج به دست آمده، معادله تابع ممیز برای عضویت در دو گروه دانشجوی بی‌انگیزه و بی‌انگیزه به صورت زیر می‌باشد.

جسمی - روانی، تحصیلات والدین و جو عاطفی خانواده و فوت والدین دانشجویان در سطح ($P < ۰/۰۱$) معنی‌دار نبوده یعنی بین دو گروه دانشجویان بالانگیزه و بی‌انگیزه در این متغیرها تفاوت معنی‌داری وجود نداشته است، لذا این متغیرها از معادله خارج شدند. طبق نتایج به دست آمده بیشترین تفاوت در بین دو گروه دانشجوی بالانگیزه و بی‌انگیزه در متغیرهای میزان عزت‌نفس، میزان امید به آینده، کیفیت عوامل آموزشی، وضعیت تأهل و میزان درآمد خانواده آنها می‌باشد و به همین دلیل این متغیرها وارد معادله شدند. نتایج تحلیل ممیز نشان داد که در بین متغیرهای موجود در پژوهش، تنها متغیرهای وارد شده در معادله می‌توانند عضویت در گروه دانشجویان بالانگیزه و بی‌انگیزه را به بهترین نحو پیش‌بینی کنند و

بحث

مطالعه نشان داد که عزت‌نفس یکی از عوامل مؤثر در کاهش انگیزه دانشجویان می‌باشد. به این معنی که دانشجویانی که دارای عزت‌نفس بالایی هستند از انگیزه تحصیلی بیشتری برخوردارند. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات کورمن و کلاسر (۱۹۹۶) همسویی دارد. آنان نیز در تحقیقات



گام	متغیرهای تابع ممیز	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد
۱	امید به آینده	۰/۶۶	۰/۹۰
۲	عزت نفس	۰/۶۲	۰/۱۲
۳	کیفیت عوامل آموزشی	۰/۳۳	۰/۱۱
۴	تأهل	۰/۲۶	۰/۴۰
۵	درآمد خانواده	۰/۲۲	۰/۷

گروه مشاهده (واقعی)	تعداد	عضویت در گروه‌های پیش‌بینی شده		درصد صحیح بودن طبقه‌بندی
		دانشجوی بی‌انگیزه	دانشجوی بانگیزه	
دانشجوی بانگیزه	۱۰۴	۸۷	۱۷	۸۳/۷
دانشجوی بی‌انگیزه	۱۱۹	۲۰	۹۹	۸۳/۲
درصد کل طبقه‌بندی صحیح				۸۳/۵

جدول فوق نمایانگر عضویت واقعی در گروه مورد نظر می‌باشد و عضویت گروهی پیش‌بینی شده، نشان‌دهنده عضویتی است که محقق برای آزمودنی‌ها در نظر گرفته است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که میزان طبقه‌بندی صحیح در مجموع ۸۳/۵ درصد بوده است.

خود بر مؤثر بودن عزت نفس بر روی انگیزه تحصیلی دست یافته‌اند [۵]. همچنین نتایج تحقیقات اتکینسون (۱۹۶۷) نشان داد که عزت نفس از طریق تحت تأثیر قراردادن انگیزه تحصیلی شخص می‌تواند در صورت بالا بودن، سبب تحریک انگیزه تحصیلی و در صورت کاهش یافتن، سبب بی‌انگیزگی دانشجو در کسب اطلاعات از محیط شود [۶]. یکی از عوامل مؤثر در افزایش انگیزه تحصیلی و موفقیت دانشجویان، وضعیت اقتصادی خانواده می‌باشد [۷]. در مطالعه حاضر نیز دانشجویانی که از موقعیت اقتصادی خوبی برخوردار بودند، انگیزه تحصیلی بیشتری داشتند. این نتیجه حاکی از آن است که اطمینان داشتن از تأمین امکانات مادی در میزان انگیزه تحصیلی مؤثر است. در این زمینه نتایج تحقیقات کورنیوس (۱۹۸۷) با نتایج مطالعه حاضر همسویی دارد. او در مطالعه خود بین وضعیت اقتصادی و موفقیت تحصیلی دانش آموزان به رابطه مثبت و معنی‌داری دست یافته است [۸]. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که میزان امید به آینده نیز در انگیزه تحصیلی دانشجویان تأثیر دارد؛ به عبارتی دانشجویانی که به آینده خود امیدوار نیستند، از انگیزه تحصیلی کمتری برخوردارند. نتیجه فوق حاکی از آن است که اطمینان داشتن از آینده، از جمله امکان ادامه تحصیل و به دست آوردن جایگاه اجتماعی و اقتصادی مناسب در میزان انگیزه تحصیلی دانشجویان مؤثر است. به طوری که قمری (۱۳۸۳) نیز در تحقیق خود نومیادی را بنیادی‌ترین عامل در اختلالات رفتاری معرفی کرده است [۹]. به همین ترتیب در این مطالعه نیز نقش میزان امید به آینده در افزایش انگیزه تحصیلی، بیشتر از سایر عوامل است. نتایج به دست آمده از این مطالعه نشان داد که بین میزان رضایت از عوامل آموزشی و انگیزه تحصیلی دانشجویان، رابطه معنی‌داری وجود دارد. این یافته بیانگر آن است که توانایی و علاقمندی اساتید در امر تدریس، تشویق، توجه به تفاوت‌های فردی و نیز مناسب بودن برنامه درسی، توجه مسؤولان دانشگاهی به مشکلات دانشگاه، تجهیزات کمک آموزشی و... در میزان انگیزه

تحصیلی دانشجویان تأثیر دارد. نتیجه به دست آمده از مطالعه حاضر با نتایج تحقیقات کورمن (۱۹۹۱) و پیکر (۱۹۷۱) همسو می‌باشد. کورمن و پیکر در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از شیوه‌های تدریس فعال، علاقمندی اساتید به تدریس و استفاده از امکانات آموزشی و آزمایشگاهی و... در افزایش انگیزه تحصیلی دانشجویان مؤثر می‌باشد [۱۰، ۱۱].

افزایش خودکارآمدی با هدف‌گزینی بهتر، تلاش بیشتر، استفاده از راهکارهای مناسب‌تر و عملکرد بهتر در انجام تکالیف ارتباط دارد [۱۲]. نتیجه به دست آمده از این مطالعه نشان داد که میزان خود تنظیمی در بین دانشجویان با انگیزه، بیشتر از دانشجویان بی انگیزه است؛ به عبارت دیگر دانشجویان با انگیزه در یادگیری، بیشتر به توانایی و خودکارآمدی خویش اعتقاد دارند. در این زمینه تحقیقات یونگ و اسکالویک (۲۰۰۳) با نتایج مطالعه حاضر همسویی دارد. آنها نیز به

این نتیجه رسیده‌اند که پیشرفت تحصیلی با افزایش خودکارآمدی رابطه مثبت دارد و تغییر خودکارآمدی دانشجویان می‌تواند به سرعت روی انگیزه تحصیلی آنها تأثیر بگذارد [۱۳]. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که خودکارآمدی بیشتر، با پیشرفت تحصیلی و در عین حال با افزایش انگیزه ارتباط و همبستگی مثبت دارد.

مراجع

۱. بیابانگرد اسماعیل. روش‌های افزایش عزت‌نفس در کودکان و نوجوانان. چاپ اول. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان. ۱۳۷۳: ۵۲-۵۰.
۲. طالب زادگان میترا. بررسی عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان موفق دختر سوم راهنمایی شهر اهواز. مجله داخلی شورای تحقیقات استان خوزستان. ۱۳۷۸: دوره سوم شماره ۱: ۳۱-۲۵.
۳. سیف‌علی اکبر. روان‌شناسی یادگیری. چاپ پنجم. تهران: انتشارات آگاه. ۱۳۸۱: ۱۲۵-۱۲۰.
4. Rush Sheila. Analysis factors that place student atrisk. *J Educational Research* 1994; 4(3): 38-42.
5. Korman AK. Locus of control current trend in theory and research. 1st ed. Erlbaum: academic press. 1996; 203-205.
6. Atkinson JW. A theory of achievement motivation. 1st ed. Newyork: John Wiley press. 1967; 203-215.
۷. نریمانی محمد. ایجاد انگیزه در دانشجویان. نشریه پیوند. تابستان ۱۳۷۳: شماره ۱۵۵: ۳۹-۲۷.
8. Cornilous ML. Influence on pupil performance educational research. *J Educational Research* 1978; 2(1): 90-94.
۹. قمری گیوی حسین. شناسایی عامل‌های بنیادی در اختلالات نوروتیک. خلاصه مقالات سمینار تازه‌های روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۱۳۸۰: ۲۳.
10. Korman AK. *Organizational behavior*. 1st ed. NewJersey: Englewood cliffs. 1991; 212-217.
11. Brcher WGE. *A course in applied psychology*. Chicago: Ann Science Research Associates 1991; 251(1) : 34-37.
۱۲. بحرانی محمود. بررسی رابطه انگیزش تحصیلی و عادات مطالعه دانش‌آموزان متوسطه شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد. شیراز، انستیتو علوم رفتاری: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۹: ۲۴-۲۰.
۱۳. صحرائی منصور. بررسی رابطه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با برخی از متغیرهای انگیزشی در دانش‌آموزان دبیرستانهای دخترانه اهواز. خلاصه مقالات سومین سمینار یافته‌های پژوهشی روان‌شناسی و علوم تربیتی استان خوزستان. ۱۳۷۳: ۲۸.